



# قدرت‌های اقتصادی آینده در شرق آسیا

شرایطی که پیش از پیوستن به این باشگاه می‌بایست تحقق یابد، عبارت است از:

- ۱- پیوسته بودن رشد اقتصادی در مدت ده الی پانزده سال گذشته؛
  - ۲- نرخ بالای پس انداز و سرمایه‌گذاری نسبت به «تولید ناخالص ملی»؛
  - ۳- ساختار اقتصادی مناسب (زیربنای اقتصادی نیرومند)؛
  - ۴- سطح بالای آموزش و پرورش و مهارت حرفه‌ای؛
  - ۵- کارآئی و پویائی بخش کشاورزی؛
  - ۶- اتخاذ استراتژی صنعتی تشویق صادرات؛
  - ۷- داشتن هزینه‌های پائین کارگری نسبت به گروه اول کشورهای درحال صنعتی شدن (چهار ببری یا اژدهای اقتصادی شرق آسیا)؛
  - ۸- وجود حکومتی مقتدر که بتواند در شرایط دشوار تصمیم بگیرد و در برابر گروه‌های فشار و ذینفوذ ایستادگی کند؛
  - ۹- ثبات سیاسی که پشتوانه سیاست اصلاحات اقتصادی باشد؛
  - ۱۰- شرایط بین‌المللی خوب برای تجارت. این مسئله تا حد زیادی به دیپلماسی کشور مربوط می‌شود که باید بتواند از شرایط مطلوب و مناسب بین‌المللی برای تجارت بهره‌گیرد؛
  - ۱۱- نرخ تورم پائین (نرخ مطلوب در این زمینه زیر ده درصد است)؛
- به منظور ارزیابی این گفته که سه کشور مالزی، تایلند و چین در شرف وارد شدن به جرگه کشورهای درحال صنعتی شدن هستند، وضع هر کشور را جداگانه بررسی می‌کنیم و در پایان به نتیجه‌گیری که در واقع نوعی آینده‌نگری است می‌پردازیم.

برخی از محققان مسائل منطقه شرق آسیا بر این عقیده‌اند که دهه شصت میلادی فرصت گرانبهری بوده که کشورهای هنگ کنگ، سنگاپور، کره جنوبی و تایوان از آن به بهترین وجه استفاده کرده و توسعه اقتصادی را در صدر اهداف خود قرار داده‌اند. هم‌اکنون این کشورها را «چهار ببر اقتصادی شرق آسیا» می‌خوانند. کارشناسان مطالعات منطقه‌ای بر این باور هستند که توسعه چهار ببر اقتصادی، نتیجه طبیعی توسعه اقتصاد جهانی در دهه شصت بوده است. کشورها در زمانهای مختلف در زمینه تولید برخی از کالاها از برتری نسبی برخوردارند. گوا اینکه پس از گذشت زمان این برتری نسبی برای تولید کالاهائی که در ابتدا مورد نظر بوده از میان می‌رود و کشور مربوطه برای تولید کالاهای دیگری برتری نسبی می‌یابد. تولید کالاهائی که دیگر برای بعضی کشورها مقرون به صرفه نیست، بوسیله کشورهای دیگری که از فرصت‌های بهتری (فی‌المثل پائین بودن هزینه تولید) بهره‌منداند، برعهده گرفته می‌شود. فرایند بالا را می‌شود فرایندی دانست که کشورها از تولید کالاهائی که کمتر مبتنی بر تکنولوژی است، به تولید کالاهای متکی به تکنولوژی پیشرفته می‌رسند، و این هنگامی است که برتری نسبی آنها در زمینه تولید کالاهائی که نیازمند کارگر بیشتر و مهارت کمتر است به تولید کالاهای سرمایه‌بر منتقل می‌شود.<sup>۱</sup>

در همین راستا، در ارتباط با «کشورهای درحال صنعتی شدن»<sup>۲</sup> در شرق آسیا، برخی از صاحب‌نظران اظهار می‌دارند که هم‌اکنون گروه یا دسته‌دومی از کشورها در شرف پیوستن به باشگاه «کشورهای درحال صنعتی شدن» است که سه کشور مالزی، تایلند و چین را در بردارد.

## الف - مالزی

● کشور مالزی که هم‌اکنون سی و هشت سال از استقلال آن می‌گذرد، سالهای اخیر رشد اقتصادی چشمگیری داشته و در پرتو ثبات سیاسی، انتظار می‌رود که در مدت کوتاهی وارد باشگاه «کشورهای درحال صنعتی شدن» گردد. دولت «ماها تیر محمد»<sup>۳</sup> سال ۲۰۲۰ را سالی قرار داده که کشورش به یک کشور کاملاً صنعتی مبدل شود.<sup>۴</sup> مالزی در ۱۵ سال گذشته از نرخ رشد اقتصادی بیش از ۹ درصد برخوردار بوده است. درآمد سرانه کشور

مالزی که در سال ۱۹۷۰ فقط ۳۸۰ دلار آمریکا بود، هم‌اکنون به ۳۰۰۰ دلار رسیده و طبق برآوردی که بطور علمی انجام گرفته، در سال ۲۰۲۰ از سقف ۷۵۰۰ دلار خواهد گذشت (کره جنوبی هم‌اکنون درآمد سرانه‌ای بالغ بر هفت هزار دلار دارد و کشور است کاملاً توسعه یافته).

مالزی کشور است چندملیتی متشکل از مالایانها<sup>۵</sup> (فرزندان زمین)، چینی‌ها و هندیها، و از اخلاق اجتماعی سه گروه عمده نژادی مذکور برخوردار است. در این زمینه، اخلاق اجتماعی چینی‌ها در ارتباط با پس‌انداز در جامعه مالزی رسوخ کرده، بطوری که مالزی نسبت به دیگر کشورها در



این زمینه موقع برتری دارد. در سال ۱۹۹۰، نرخ پس انداز مالزی نسبت به «تولید ناخالص داخلی»، ۲۴/۸٪ و از دو کشور کنفوسیوسی کره جنوبی و تایوان بالاتر بوده است.

زیربنای اقتصادی کشور مالزی در حد مطلوب و قابل مقایسه با کشورهای توسعه یافته جهان می باشد. دولت کوآلا لامپور بخصوص در زمان نخست وزیری «ماهاتیر محمد» از سال ۱۹۸۱ به سرمایه گذاری عمومی پرداخته که عملاً چیزی حدود ۵۵٪ کل سرمایه گذاری در کشور بوده است. اغلب سرمایه گذاریها در بخش آموزش و پرورش انجام گرفته است. نرخ باسوادی در کشور مالزی بیش از ۷۵٪ است.

اقتصاد مالزی طی بیست سال گذشته تدریجاً از صورت یک اقتصاد کشاورزی خارج و به یک اقتصاد صنعتی مبدل شده است. بین سالهای ۱۹۷۰ و ۱۹۹۰، سهم کشاورزی در تولید ناخالص داخلی از ۲۹٪ به ۱۳٪ کاهش پیدا کرده است. در سال ۱۹۹۰ بیش از ۵۵٪ صادرات آن کشور در زمینه کالاهای ساخته شده را لوازم برقی تشکیل می داده است. جالب توجه است که در سال ۱۹۸۳ کشور مالزی دومین صادر کننده نیمه هادیها به ایالات متحده آمریکا بوده است (عملاً ۲۲/۴٪ واردات آمریکا در این زمینه). در دیگر بخشها نیز مالزی رشد چشم گیری داشته است. کشور مالزی در سال ۱۹۹۱ سومین دریافت کننده بزرگ سرمایه های خارجی در جهان کمتر توسعه یافته بود.<sup>۸</sup> روابط صنعتی در این کشور بسیار خوب است. با وجود حضور فعال اتحادیه های کارگری مختلف، روابط خصمانه ای بین اتحادیه ها و دولت وجود ندارد و در مقایسه با دیگر کشورهای جهان سوم، منش دمکراتیک در کل جامعه سایه افکن است. عده ای، مالزی را دموکراتیک ترین کشور جهان سوم قلمداد می کنند، کشوری که در آن تاکنون چهار بار انتخابات دموکراتیک با حضور فعال مردم انجام گرفته و مشارکت سیاسی در حد کشورهای توسعه یافته می باشد و احزاب سیاسی بسیار فعالند.

میزان تورم در این کشور نسبتاً پائین است. بین سالهای ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، مالزی نرخ تورم شش درصدی را تجربه می کرد. در دهه ۱۹۸۰ نرخ مزبور به ۳/۳٪ کاهش یافت و در نیمه دوم دهه نود پیش بینی شده است که به حداکثر ۵٪ برسد. چنین وضعی مالزی را در وضعی بسیار خوب قرار داده است.<sup>۹</sup> در حوزه حکومتی، دولت مالزی را می شود دموکراتیک ولی اقتدارطلب دانست. مالزی نه مثل کره جنوبی، تایوان و سنگاپور حکومت اقتدارطلب مطلقه (سنگاپور) یا نیمه مطلقه (کره جنوبی و تایوان - البته اخیراً نه در گذشته) دارد و نه مثل هند و بنگلادش حکومت دموکراتیک اما ضعیف. مالزی دارای حکومتی است دموکراتیک ولی با اقتدارطلبی لازم. «قانون امنیت ملی»<sup>۱۰</sup> قانونی است که به دولت اجازه می دهد در شرایط لازم مقتدرانه عمل کرده و ثبات سیاسی را حفظ نماید. آمیزه ای از «نظام پارلمانی وستیمینستر»<sup>۱۱</sup> و نظام اقتدارطلب مصلح، نظام حکومتی کشور مالزی است. مالزی در مدت بیست و پنج ساله گذشته از ثبات سیاسی و امنیت اجتماعی برخوردار بوده است (اولین و آخرین بار در سال ۱۹۶۹ بود که گروه های مسلمان مالی) و چینی ها به زدو خورد پرداختند. «قانون امنیت ملی» در ارتباط با اغتشاشات نژادی قاطعانه عمل کرده است. مالزی توانسته است تغییرات رهبری سیاسی را بدون مختل شدن نظام بوروکراتیک کشور سپری کند\* و این خود دال بر ثبات سیاسی کشور است. در این کشور چهار دولت سرکار آمده، اما هیچگاه دولت و نخست وزیر سابق بی ابرو نشده و در دولت های بعدی از مقامات قبلی بهره گرفته شده است. بنابراین، مالزی در شرف پیوستن به جرگه کشورهای در حال صنعتی شدن است، یا به قولی به این مرحله وارد شده است.

ب - تایلمند:

کشور پادشاهی تایلمند (نظام مشروطه سلطنتی از سال ۱۹۳۲) از باثبات ترین کشورهای شرق آسیا به شمار می رود. پادشاه تایلمند که لقب

«راما»<sup>۱۲</sup> دارد، به عنوان رهبر مذهبی (بودائی) و سیاسی کشور از حیثیت بالائی برخوردار است. درایت «رامای نهم»<sup>۱۳</sup> پادشاه فعلی کشور تایلمند ثبات کشور را دوچندان کرده است. تایلمند تنها کشور آسیای جنوب شرقی است که هیچگاه مستعمره کشورهای اروپائی نبوده و در جنگ جهانی دوم نیز به تصرف ژاپن در نیامد. تایلمند، کهن ترین نظام پادشاهی در منطقه را دارد.<sup>۱۴</sup> تایلمند، با درآمد سرانه ۱۵۰۰ دلار در سال، قابل قیاس با برخی کشورهای در حال توسعه مانند نیکاراگوئه، نیجریه و کامرون است (نصف درآمد سرانه مالزی). نرخ پس انداز و سرمایه گذاری نسبت به تولید ناخالص داخلی به ترتیب ۲۷٪ و ۲۶٪ است که نسبت به مالزی کمتر می باشد (البته با جمعیتی نزدیک به سه برابر کشور مالزی). با توجه به ارقام فوق می توان تایلمند را در شمار کشورهای کمتر توسعه یافته منطقه نظیر اندونزی<sup>۱۵</sup> و فیلیپین دانست. در سالهای اخیر، تایلمند از جریان چشمگیر سرمایه گذاری خارجی بهره مند شده است که باعث گردیده این کشور بتواند رشد اقتصادی بالائی به دست آورد. در سال ۱۹۹۱، تایلمند ششمین کشور پذیرنده سرمایه های خارجی بوده است. سرمایه گذاریهای انجام شده در تایلمند، عمدتاً از کشورهای ژاپن و چهار کشور در حال صنعتی شدن (کره جنوبی، سنگاپور، تایوان و هنگ کنگ) بوده است.

با وجودی که نرخ باسوادی در تایلمند ۸۶٪ است و نسبت به کشورهای منطقه شرق آسیا رقم بالائی است، در دوره های آموزش متوسطه با تنگناهایی روبروست. در تایلمند فقط ۲۹٪ دانش آموزان واجد شرایط در دوره های متوسطه مشغول تحصیل می شوند (در کشورهای در حال صنعتی شدن مانند تایوان این رقم به ۸۰٪ می رسد). درصد دانشجویان دانشگاهها نسبت به کل جمعیت تایلمند، ۰/۷٪ است، در حالی که این نرخ در سنگاپور به ۳٪ می رسد. همه ساله ۲۵۰۰ دانشجوی در رشته های علوم و تکنولوژی فارغ التحصیل می شوند اما نیاز کشور، ۸۰۰۰ نفر در سال است. با توجه به روند حاضر و رشد اقتصادی ۶٪، کمبود متخصص به ۳۰ هزار نفر در هر سال خواهد رسید. مقایسه ارقام باز به کمک ما خواهد آمد: در سال ۱۹۹۱، تعداد فارغ التحصیلان رشته مهندسی در تایلمند ۶۰ نفر بوده در حالی که این رقم در کره جنوبی به ۷۰۰ نفر رسیده است. تایلمند از لحاظ زیربنائی وضع نامطلوبی دارد و شدیداً به نیروی کار ماهر و سرمایه برای رقم معضلات کنونی نیازمند است.<sup>۱۶</sup>

تایلمند، کشوری است عمدتاً کشاورزی و هم اکنون بیش از ۵۰٪ مردم در بخش کشاورزی فعالیت دارند. در سال ۱۹۹۳، سهم کشاورزی در تولید ناخالص ملی ۶٪ و سهم صنعت در سال ۱۹۹۴ نزدیک به ۳۷٪ بوده است. بخش تولیدات صنعتی در سال ۱۹۹۳ رشدی بالغ بر ۱۰٪ نشان داده است، معهداً مشکل بزرگ صنعت در تایلمند تمرکز آن در اطراف شهر بانکوک است؛ مناطق شمال شرقی کشور عملاً دست نخورده باقی مانده و صنعتی به آنجاریه پیدا نکرده است. بنابراین، از این لحاظ هم با مالزی که از نظر جغرافیائی صنعتی گسترده دارد، متفاوت است.

کشور پادشاهی تایلمند از سال ۱۹۷۲ سیاست تشویق صادرات صنعتی را در اولویت قرار داده است و اقتصاد خود را تعدیل کرده است. به همین منظور «هیأت تشویق سرمایه گذاری»<sup>۱۷</sup> برای جذب سرمایه های خارجی تأسیس شده است. «طرح اعتبار صادراتی»<sup>۱۸</sup> نیز که ۵۰٪ کل صادرات کشور را پشتیبانی می کند در سال ۱۹۷۲ به وجود آمد.<sup>۱۹</sup> موفقیت سیاستهای فوق در عمل بسیار چشم گیر بوده و ارقام و آمار گویای آن می باشد. در سال ۱۹۷۱ محصولات کشاورزی ۶۲٪ کل صادرات تایلمند را تشکیل می داد و کالاهای ساخته شده فقط ۱۰٪ صادرات بود. این وضع در پایان دهه هشتاد کاملاً عوض شد به طوری که در سال ۱۹۹۰، کالاهای ساخته شده بالغ بر ۶۷٪ کل صادرات کشور را به خود اختصاص داد. صادرات کشور تایلمند در سال ۱۹۹۴ مرکب از ۳۲٪ پارچه، لباس و کفش، ۱۶٪ مواد غذایی، ۱۷٪ کالاهای برقی و ۱۲٪ ماشین آلات بوده است. صادرات کالاهای ساخته شده، بین سالهای ۱۹۷۰ و ۱۹۷۹ رشدی



قادر به پیش بردن امر توسعه نبود و کار را به بخش خصوصی واگذار کرده بود، خود به صورت موتور توسعه در کشور درآمده است. تایلند پس از مالزی به دروازه «کشورهای درحال صنعتی شدن» خواهد رسید، مشروط بر آن که نظام دموکراتیک دوام یابد.

### ج - چین:

جمهوری خلق چین با برخورداری از هزینه پائین کارگری و انبوه جمعیت می تواند مشکل بزرگ «کشورهای تازه صنعتی شده» را که با هزینه های بالای کارگری روبرو هستند برطرف سازد. درحال حاضر، تعداد زیادی از کشورهای تازه صنعتی شده و بخصوص هنگ کنگ، عملیات تولیدی کاربر را به چین انتقال داده اند. درحقیقت، مناطق جنوب چین (بویره استان گوانگ دونگ)<sup>۲۳</sup> بطور روزافزونی به عنوان مراکز پراهمیت فعالیتهای تولیدی جهان شناخته می شوند. استان «گوانگ دونگ» که دارای مناطق ویژه اقتصادی است، در سال ۱۹۹۴ قریب به پنجاه میلیارد دلار صادرات داشته است. مناطق ویژه اقتصادی «شن جن»،<sup>۲۴</sup> «شن تو»<sup>۲۵</sup> و «جوهای»<sup>۲۶</sup> در استان «گوانگ دونگ» قرار دارد. ایالت مزبور از چنان قدرت اقتصادی برخوردار شده که هم اکنون استاندار آن در دفتر سیاسی (پولیتبورو) حزب کمونیست چین عضویت پیدا کرده و عملاً حکومت مرکزی است که تابع استانها (بخصوص دو استان «گوانگ دونگ» در جنوب و «فوجیان» در شرق) شده است.<sup>۲۷</sup> به عبارت دیگر، این قدرت اقتصادی استانها است که بر مرکز چیره شده، زیرا اقتصاد در جهان پس از جنگ سرد حرف اول را می زند.

ایالت «گوانگ دونگ»، زمانی که هنگ کنگ در سال ۱۹۹۷ پس از پایان ۹۹ ساله استعمار بریتانیا به چین برگردانده شود، عملاً به یک منطقه اقتصادی شکوفا تبدیل خواهد گردید (منطقه اقتصادی درحال صنعتی شدن).<sup>۲۸</sup>

در سال ۱۹۷۸، بخش کشاورزی ۹۰٪ اقتصاد ایالت «گوانگ دونگ»، و بخش صنعتی فقط ۱۰٪ آن را شامل می گردید، اما در سال ۱۹۹۰ این وضع درست برعکس شد. نکته جالب توجه اینست که «گوانگ دونگ» جمعیتی بالغ بر ۶۶ میلیون نفر (بیش از جمعیت ایران) دارد. آن ایالت بین سالهای ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰ بطور متوسط از رشد اقتصادی ۱۲/۵٪ برخوردار بوده و در سال ۱۹۹۴ بیست و پنج درصد کل صادرات چین را به خود اختصاص داده است.

شهر «شن جن» (در مجاورت هنگ کنگ)، معروف ترین منطقه تجارت آزاد ایالت مذکور، در سال ۱۹۹۴ درآمد سرانه ای بالغ بر ۲/۵۰۰ دلار داشته است.<sup>۲۹</sup> اغلب تولیدات استانهای جنوبی چین به کشورهای توسعه یافته صادر می شود، یعنی کشورهایی که تولید کالاهای کاربر را عملاً به علت هزینه های بالای کارگری رها کرده اند. در سال ۱۹۹۴، بازارهای عمده صادراتی چین را ایالات متحده آمریکا (۲۲٪)، ژاپن (۱۷٪) و کشورهای عضو جامعه اروپا (۱۰٪)<sup>۳۰</sup> تشکیل داده اند.

رشد سریع صنعتی شدن در ایالات مزبور، با نرخ بالای پس انداز و سرمایه گذاری در کل کشور همراه بوده است. بین سالهای ۱۹۸۰ و ۱۹۹۴، چین بطور متوسط از نرخ پس انداز ۳۶٪ و نرخ سرمایه گذاری ۳۵٪ نسبت به تولید ناخالص داخلی برخوردار بوده است که بسیار قابل توجه می باشد. در فاصله سالهای ۱۹۸۵ و ۱۹۹۱، میزان سرمایه گذاری خارجی در چین از یک میلیارد دلار به پنج میلیارد دلار رسید.<sup>۳۱</sup> در سال ۱۹۹۴، این رقم بیش از بیست میلیارد دلار بوده و تخمین زده می شود که در ۱۹۹۵ از سی میلیارد دلار تجاوز کند. در این زمینه، تجربه چین قابل قیاس با دو کشور مالزی و تایلند است که از دریافت کنندگان سرمایه های خارجی هستند.<sup>۳۲</sup>

جمهوری خلق چین هم اکنون بزرگترین تولیدکننده اسباب بازی در جهان است و ۲۰٪ از کل تولید منسوجات جهان را در اختیار دارد. همانطور که در

مالزی، نه مانند سنگاپور حکومت اقتدار طلب مطلقه یا مانند کره جنوبی و تایوان حکومت نیمه مطلقه دارد و نه مثل هند و بنگلادش حکومت دموکراتیک اما ضعیف. نظام حکومتی مالزی آمیزه ایست از نظام پارلمانی و ستمنیستر و نظام اقتدار طلب مصلح.

کودتاهای پی در پی نظامیان در تایلند تا سال ۱۹۹۳ را نباید به معنی بی ثباتی سیاسی آن کشور دانست زیرا این رویدادها بازار و اقتصاد را تحت تأثیر قرار نمی داده است. امروزه، در تایلند، دولت ضعیفی که قادر به پیش بردن روند توسعه نبود و کارها را به بخش خصوصی وا گذاشته بود، خود به صورت موتور توسعه درآمده است.

نابرابری درآمدها و سطوح زندگی در چین، یکی از معضلاتی است که عامل بی ثباتی نظام سیاسی آن کشور در آینده خواهد شد، زیرا این روند دقیقاً در جهت ایجاد طبقات است که برای جامعه یک میلیارد و سیصد میلیونی چین خطرناک خواهد بود.

آثار چشمگیر اصلاحات اقتصادی «دنگ شیاء پینگ» معمار بزرگ چین نو، در کنار جریان قابل توجه سرمایه های هنگ کنگی و تایوانی، جنوب چین را به منطقه ای شکوفا از لحاظ اقتصادی مبدل کرده است. با پیوستن هنگ کنگ در سال ۱۹۹۷ و ماکائو در ۱۹۹۹ به جمهوری خلق چین، امکانات رشد و توسعه آن کشور دوچندان خواهد شد.

معادل ۴۷٪ نشان می دهد. هم اکنون رشد کالاهای مزبور ۶٪ است و ۶۰٪ آنها به کشورهای پیشرفته صادر می شود (فی المثل تلویزیون و قطعات الکترونیکی وابسته به آن در تایلند ساخته می شود و در آمریکا به فروش می رسد).

هزینه های کارگری در تایلند به مراتب از کشورهای درحال صنعتی شدن پائین تر است (۴۰٪ کره جنوبی، ۷۰٪ تایوان، ۶۳٪ سنگاپور و ۴۰٪ هنگ کنگ)<sup>۳۰</sup> این هزینه ها نسبت به کشور مالزی نیز به مراتب کمتر است. تایلند با جمعیتی بالغ بر ۶۵ میلیون نفر و رشد جمعیت ۱/۷٪، هنوز از نیروی کار بسیار ارزان برخوردار است و با صنعتی شدن کشور که بخش کشاورزی را نیز تحت تأثیر قرار خواهد داد (مکانیزه شدن بخش کشاورزی) با مازاد کارگر ارزان روبرو خواهد بود و تا ده سال آینده از این لحاظ شرایط خوبی خواهد داشت (نسبت به کشورهای درحال صنعتی شدن).

نرخ تورم در تایلند نیز به سختی کنترل شده بطوری که در ابتدای دهه ۹۰ میلادی بطور متوسط از ۶٪ در سال تجاوز نمی کرده است. دولت تایلند با تدابیر خاص توانست نرخ بالای تورم در دهه ۱۹۷۰ را که بالغ بر ده درصد بود (زائیده رشد سریع اقتصادی در دهه مزبور)، در دهه ۱۹۸۰ به ۳/۳٪ برساند (البته این کاهش تا اندازه ای ناشی از رکود اواسط دهه ۱۹۸۰ بود) و هم اکنون نیز تلاش دارد که رقم ۶٪ را به عنوان سقف تورم حفظ کند.

همان گونه که پیشتر گفته شد، حکومت تایلند از ثبات قابل توجهی برخوردار است و کودتاهای پی در پی نظامیان تا ۱۹۹۳ یعنی قبل از به قدرت رسیدن نخست وزیر «چوان لیب کای»<sup>۳۱</sup> را که غیر نظامی است و حکومتش نقطه عطفی در تاریخ بعد از انقلاب ۱۹۳۲ تایلند تلقی می شود، نباید بی ثباتی سیاسی دانست، چرا که این رویدادها بازار و اقتصاد را تحت تأثیر قرار نمی داده است.<sup>۳۲</sup>

درحال حاضر با تثبیت حکومت «چوان» در تایلند، دولت ضعیفی که قبلاً



توزیع درآمد در چین همیشه نسبتاً معتدل بوده، زیرا برنامه ریزی مرکزی اجازه ایجاد تفاوت‌های درآمدی را نمی‌داده است. با این وجود، پس از شروع سیاست اقتصادی مبتنی بر بازار، تفاوتها ظهور کرده و عملاً در حال رشد می‌باشد، گرچه هنوز به اندازه‌ای نیست که ایجاد بحران کند؛ فقط عده کمی از درآمد بالا برخوردار هستند و اکثریت قاطع مردم سطح زندگی کم‌بیش برابری دارند. به اعتقاد نگارنده، نابرابری درآمدها یکی از معضلاتی است که عامل بی‌ثباتی نظام چین در آینده خواهد شد، زیرا روند فوق‌دقیقاً در جهت ایجاد طبقات است که برای جامعه یک میلیارد و سیصد میلیون نفری چین خطرناک خواهد بود. «جرالد سیگال»<sup>۲۱</sup> یکی از چین‌شناسان بزرگ غربی، در مقاله اخیر خود در مجله «فارن افرز»<sup>۲۲</sup> نوشته است که اگر دولت چین کماکان به اعمال قدرت کامل سیاسی در کشور اصرار ورزد، در آینده نخواهد توانست موفقیت همسایگانش (تایوان، کره جنوبی و...) را تکرار نماید.<sup>۲۳</sup> اما این محقق ظاهراً توجه ندارد که اگر کنترل مرکزی بیش از این سست شود، ثبات کشور به مخاطره خواهد افتاد و در آن صورت هیچ‌گونه موفقیتی در کار نخواهد بود. در حال حاضر قریب سه چهارم صاحبان قدرت سیاسی و اقتصادی و... خواهان حفظ قدرت ظاهری دولت مرکزی هستند، زیرا زیر سایه «بی‌جینگ»<sup>۲۴</sup> می‌توانند به فعالیت‌های خود ادامه دهند و تضعیف دولت مرکزی را که باعث بی‌ثباتی شود به نفع خود نمی‌دانند. توده‌ها هیچگاه نقشی نداشته‌اند و همیشه به میل این یا آن شخص و گروه به نهضتی پیوسته‌اند و سپس سرکوب یا به قولی به خانه خود برگردانده شده‌اند. «خوی شیانگ»<sup>۲۵</sup> که به زبان چینی «برگشت به روستا» معنی می‌دهد، همیشه متداول بوده است.<sup>۲۶</sup>

چین ظاهراً از یک قدرت مرکزی قوی برخوردار است (دستکم قدرتمندان محلی اجازه می‌دهند که «بی‌جینگ» ژست یک حکومت اقتدارطلب را بگیرد). البته پس از مطرح شدن سیاستهای اقتصادی مبتنی بر بازار در پایان دهه ۱۹۷۰ و شیوع روشهای عدم تمرکز، قدرت مرکزی رو به کاهش گذاشته است، لکن پس از «فاجعه تین‌ان‌من»<sup>۲۷</sup> در ماه ژوئن ۱۹۸۹، دولت مرکزی تلاش کرده اقتدار خود را مجدداً بر کشور بگستراند و ظاهراً موفق هم شده است.

تاریخ چین دربرگیرنده دوره‌های طولانی بی‌ثباتی سیاسی و همراه با فراز و نشیبهای زیاد بوده است. دوره کنونی نیز نشانه‌هایی از بی‌ثباتی دارد. مسئله رشوه‌خواری و فساد دولتی در طول شانزده سالی که از اجرای اصلاحات اقتصادی می‌گذرد بسیار شیوع یافته، بطوری که در سال ۱۹۹۴ یک میلیون و هفتصد هزار پرونده اختلاس در چین مطرح بوده و عده زیادی اعدام یا به زندان محکوم شده‌اند. افزون بر آن، چین از لحاظ زیربنایی قابل مقایسه با کشورهای مالزی و تایلند نیست و در این زمینه بسیار عقب افتاده است. سطح سواد در چین هنوز بسیار پائین و نظام آموزشی حداقل ده‌الی بیست سال عقب‌تر از مالزی است و کشور برای تبدیل شدن به جامعه‌ای که متخصصان و تکنوکراتهای آموزش دیده آن را هدایت نمایند، راه درازی در پیش دارد.

به هر حال باید گفت با وجودی که چین تمام شرایط لازم را برای صنعتی شدن ندارد، هم‌گرانی روزافزون آن کشور با جوامع منطقه شرق آسیا بویژه تایوان، سنگاپور، هنگ کنگ و کره جنوبی و نیز غول عظیم اقتصادی شرق آسیا یعنی ژاپن، و بالاخره پیوندهایی که با آمریکا پیدا کرده،<sup>۲۸</sup> احتمالاً چین را در ظرف ده‌الی پانزده سال آینده به کشوری صنعتی مبدل خواهد کرد (البته اگر بی‌ثباتی سیاسی مانع آن نشود).

### نتیجه‌گیری

بر اساس معیارهای موجود، دو کشور مالزی و تایلند به ترتیب بهترین شرایط را برای صنعتی شدن دارند و در این راستا مالزی از وضع مناسب‌تری

بالا توضیح داده شد، چین با برخورداری از منبع بزرگ کارگر ارزان و به عنوان کشوری که هنوز ۶۰٪ مردم آن در روستاها زندگی می‌کنند، شرایط بسیار خوبی در خصوص تأمین نیروی کارگری برای تولید کالاهای کاربر دارد و همچنین بازار خوبی برای فروش کالاهای «کشورهای در حال صنعتی شدن» به شمار می‌رود. بنابراین، می‌تواند به آسانی کشاورزان کم‌درآمد را که تعدادشان بسیار زیاد است به حوزه صنعت بکشاند و کالاهائی بسازد که عملاً هیچ کشوری نمی‌تواند با آن هزینه کالاهای مزبور را تولید کند (برای نمونه، ساختن کفش ورزشی «آدی‌داس» در چین کمتر از ۲ دلار هزینه دارد). تنش صنعتی یعنی اعتصاب و برخورد کارفرما و کارگر در چین وجود ندارد. در صورت اعتراض یک کارگر، کارگر دیگری آماده پر کردن جای خالی است. هم‌اکنون نزدیک به ۵۰ میلیون نفر چینی بیکار که روستاهای خود را رها کرده‌اند، حاضرند با کمترین حقوق که فقط بتواند شکمشان را سیر کند در کارخانه‌ها کار کنند. البته، این وضع نوعی استثمار کارگری در چین ایجاد کرده که هیچگاه سابقه نداشته است.<sup>۲۹</sup> از لحاظ جمعیتی، چین شرایط بسیار خوبی دارد که یک «نظام صنعتی مبتنی بر کارگر»<sup>۳۰</sup> برپا کند. به همین علت است که برخی کشورهای تازه صنعتی شده که با کمبود کارگر روبرو هستند یا در آنها هزینه‌های کارگری بالاست (مثل هنگ کنگ، سنگاپور و تایوان)، صنایع تولیدی کاربر خود را به چین منتقل کرده‌اند.

طبق برآوردهای علمی که در مورد اقتصاد چین انجام گرفته است، تولید ناخالص داخلی چین در سال ۲۰۰۰ به چهار برابر سطح سال ۱۹۹۰ یعنی ۸۵ میلیارد دلار خواهد رسید. قرابت فرهنگی بین چین و کشورهای سنگاپور، هنگ کنگ، تایوان و کره جنوبی که ناشی از مکتب کنفوسیوس است، ایجاد و گسترش روابط اقتصادی آنها را نسبتاً عاری از تنش ساخته، در حالی که تنش در روابط اقتصادی چین با آمریکا، آلمان و ژاپن مسئله‌ای است همیشگی. اکنون که روابط تایوان و چین قاره‌ای (جمهوری خلق چین) از لحاظ سیاسی در شرف حل شدن است، روابط اقتصادی - تجاری بین دو چین نیز تسریع خواهد شد، بطوری که به پیش‌بینی عده‌ای، تایوان در آینده نزدیک به صورت شریک اول چین درخواهد آمد. گسترش روابط تجاری، زمینه‌ساز تنش‌زدانی در روابط سیاسی خواهد بود که این امر به نوبه خود روابط اقتصادی را به سطح بالاتری خواهد کشاند. چین با کشورهای تازه صنعتی شده مشکل اساسی ندارد و وجوه اشتراک زیادی بین آنها موجود است. برای نمونه، چین نیز نمی‌تواند عملکرد امپریالیست‌های ژاپنی در جنگ جهانی دوم را که عنوان مثال صد هزار نفر چینی را در شهر «نانجین» (نانکن)<sup>۳۱</sup> قتل عام کردند، بطوری که «تجاوز نانجین»<sup>۳۲</sup> همیشه در تاریخ زنده خواهد ماند، فراموش کند (ژاپن در چند سال گذشته تلاش کرده ضمن عذرخواهی دیپلماتیک از اشتباهات و جنایات گذشته راه را برای گسترش روابط با چین هموار کند).<sup>۳۳</sup>

چین در قیاس با کشور مالزی، از بخش روستائی فعال و رو به رشدی برخوردار است و همانگونه که پیشتر گفته شد، این یکی از معیارهایی است که می‌تواند کشور را به یک جامعه در حال صنعتی شدن بدل کند. از زمان به قدرت رسیدن «دنگ شیائ‌پینگ»<sup>۳۴</sup> (از سومین اجلاس یازدهمین کنگره حزب کمونیست چین در دسامبر ۱۹۷۸)<sup>۳۵</sup> یعنی هنگامی که اصلاحات کشاورزی با گرایش بازار که به «سیستم مسئولیت تولید»<sup>۳۶</sup> معروف است آغاز گردید، تولیدات کشاورزی رو به افزایش گذاشته است. بین سالهای ۱۹۷۸ و ۱۹۸۵، تولیدات کشاورزی رشدی معادل ۷/۸٪ از خود نشان داده و این نرخ در سالهای بعد کمابیش ادامه یافته است. نکته جالب توجه اینست که بین سالهای ۱۹۵۲ و ۱۹۷۸، رشد تولیدات کشاورزی در چین از ۲/۵٪ تجاوز نمی‌کرده است. در سال ۱۹۸۵، چین کمونیست برای نخستین بار پس از گذشت بیست سال به صادرکننده غلات مبدل شد. چین روندی را دنبال کرده که طی آن رشد قابل ملاحظه تولیدات کشاورزی قبل از رشد صنعتی تحقق یافته و این درست همان روندی است که کشورهای در حال صنعتی شدن تجربه کرده‌اند.



20. Thailand low labour costs, *Asiaweek*, November 19, 1994 (Hong Kong).

21. Chuan lepkai.

۲۲. در سال ۱۹۹۱ در درگیریهای تایلند که سرانجام باعث شد زنگار سوچیندا از کاربرکنار شود، اقتصاد تایلند دچار بحران نگردد و رشد خود را ادامه داد. یکی از کارشناسان مسائل سیاسی تایلند به نگارنده در تایلند گفت که بازار با وجود این درگیریها به کار خود ادامه می‌دهد و خللی در روند خرید و فروش ایجاد نمی‌گردد زیرا نظامیان جای خود را عوض می‌کنند ولی منافع بخش اقتصادی را کماکان محفوظ می‌دارند (کودتاهای نظامی تایلند بدون خون‌ریزی انجام می‌گرفت و صرفاً کسی که تانک‌های بیشتری داشت وارد کاخ نخست‌وزیری می‌شد و قدرت را به دست می‌گرفت).

23. Guangdong Province.

24. Shenzhen.

25. Shentou.

26. Zhuhai.

۲۷. ایالت فوجیان (Fujian) پنجره‌ای است به سوی تایوان. سنگاپور و تایوان بزرگترین سرمایه‌گذاران در فوجیان هستند. شیامن (Xiamen) منطقه آزاد اقتصادی ایالت فوجیان است.

28. Newly Industrializing Economies (NIEs).

29. The Chinese Miracle, *Economist*, 5 Oct. 94, p. 11.

30. European Community (EC).

۳۱. برای مطالعه بیشتر در مورد سیاستهای اقتصادی چین به مقاله پنج قسمتی نگارنده در روزنامه *Iran News* تحت عنوان «Case of China» آذرماه ۱۳۷۳ مراجعه شود.

۳۲. به نظر نگارنده، صرفاً جذب یا دریافت سرمایه نمی‌تواند کارگشا باشد و فرهنگ مخصوص و استفاده از آن نیز اهمیت زیادی دارد. مثلاً، ترکیه در یک دوره مشخص، سه برابر کره جنوبی سرمایه خارجی جذب کرد (عمدتاً در دهه‌های شصت و هفتاد میلادی) ولی نتوانست مانند کره جنوبی به توسعه چشمگیری برسد.

۳۳. در گزارش مستندی که در تابستان ۱۹۹۴ تهیه شده بود، این استعمار کارگری آشکارا نشان داده می‌شد. طبق این گزارش، ارتش آزادیبخش چین، عهده‌دار استخدام روستائیان فقیر برای کار در کارخانه‌های جنوب چین شده و همان شیوه خشن نظامی را در مورد استخدام خیل عظیم کارگران، نظارت بر کار آنان و اخراجشان در صورت عدم تمکین به اجرا می‌گذارد. (گزارش جنجالی فوق به صورت فیلم در تابستان ۱۹۹۴ در تلویزیون سنگاپور به نمایش گذاشته شد و نگارنده شاهد آن بود).

34. Labour - intensive Industrialization Rejime.

35. Nanjin.

36. Nanjin Rape (The Rape of Nanjin).

37. Dr. Behzad Shahandeh, Japan Faces the Ghosts of the Past, *Iran News*, Dec. 14/21/28, 1994.

38. Deng Xiaoping.

۳۹. دکتر بهزاد شاهنده، روابط چین و شوروی بعد از مانو، (از انتشارات جهاد دانشگاهی، دانشگاه تهران ۱۳۶۹) صص ۳-۷۲.

40. «Production Responsibility System».

41. Gerald Segal.

42. Foreign Affairs.

43. Gerald Segal, A Muddled Country, *Foreign Affairs*, Autumn / Winter 94.

44. Beijing.

45. Hui Xiang.

۴۶. دکتر بهزاد شاهنده، انقلاب چین، (از انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه ۱۳۶۵) صص ۵۷-۵۲.

47. Tiananman Catastrophe.

۴۸. در سال گذشته (۱۹۹۴) تراز بازرگانی چین و آمریکا، به علت قرارداد دولت کامل‌الوداد (Most Favoured Nation Treaty) ۲۳ میلیارد دلار به سود چین بود.

49. Dr. Behzad Shahandeh, «Malaysia a Developed Country by the First Quarter of the Next Century», *Tehran Times*, Feb. 10, 1993.

50. Asian 6.

51. I. Yamazawa, A. Hitata and K. Yokuta, «Evolving Patterns of Comparative advantage in Pacific Economies, *The Pacific Economy*, 1991, p. 226.

52. O. Havry Lyshin and I. Alikhani Stuby, *Weltwirts - Chattliches Archives*, 118 (4) 1982, pp. 651-663.

برخوردار است.<sup>۲۹</sup>

با پیوستن مالزی و تایلند به جرگه «کشورهای درحال صنعتی شدن» و تکرار تجربه موفقیت آمیز سنگاپور، تایوان، کره جنوبی و هنگ کنگ، شش کشور مزبور که «شش آسیائی»<sup>۵۰</sup> خوانده می‌شوند، نقش مسلط را در تجارت جهانی در اواخر دهه ۱۹۹۰ ایفا خواهند کرد. مالزی و تایلند با کسب ویژگی‌هایی که قبلاً چهار کشور اول (سنگاپور، کره جنوبی، تایوان و هنگ کنگ) از آن بهره‌مند بودند، در وضع بسیار مناسبی قرار دارند. فی‌المثل در زمینه صادرات پوشاک، موضع رقابتی دو کشور کره جنوبی و تایوان ضعیف شده، درحالی که تایلند نقش قوی‌تری پیدا کرده است. همچنین تایوان که قبلاً در تولید و صدور لوازم برقی پیشگام بود، رفته‌رفته جای خود را به مالزی می‌دهد.<sup>۵۱</sup>

در مطالعات «هوری لی شین» و «علیخانی»<sup>۵۲</sup> چین به عنوان کشوری که درآینده نزدیک به «صف کشورهای درحال صنعتی شدن» خواهد پیوست، مدنظر قرار نگرفته، لکن طبق بررسی و تحلیلی که در فوق ارائه شد، چین شرایط نسبتاً خوبی برای ورود به باشگاه کشورهای درحال صنعتی شدن دارد. آثار عظیم اصلاحات اقتصادی «دنگ شیاه‌پینگ» معمار بزرگ چین نو، در کنار جریان قابل توجه سرمایه‌های هنگ کنگی و تایوانی، جنوب چین را به منطقه‌ای شکوفا از لحاظ اقتصادی مبدل کرده است. با پیوستن هنگ کنگ در سال ۱۹۹۷ و «ماکائو» در سال ۱۹۹۹ به جمهوری خلق چین، امکانات رشد اقتصادی آن کشور دوچندان خواهد شد.



#### 1. The East Asian Four Economic Tigers.

برخی اوقات از واژه اژدها (Dragon) نیز برای این کشورها استفاده شده است.

2. R. Kaplinsky, «The International Context for Industrialization in the coming decade», *Journal of Development Studies* 1(21), October 1984, p. 81.

3. Newly Industrialising Countries (NICs).

4. Mahathir Mohamad.

5. Malaysia in 2020, A Developed Country, *New Straits Times*, October 23, 1994.

6. Malays.

7. Bumiputras.

8. Malaysia: Capital recipient, *Far Eastern Economic Review*, Jan. 10/91.

9. *Malaysian Year Book*, 1994, Kuala Lumpur, 1994.

10. National Security Act.

11. Westminster Parliamentary Model.

\* دولت کوالالامپور بر این عقیده است که در یک کشور چندملیتی بایستی قانونی وجود داشته باشد که دولت بتواند در زمانهای بحرانی از آن بهره‌گیرد.

12. Rama.

13. Rama VIV.

۱۴. دکتر بهزاد شاهنده، «سیاست و حکومت در آسیای جنوب شرقی» (انتشارات سمت، ۱۳۷۳).

۱۵. توضیح: اندونزی نیز در سالهای اخیر گامهای بلندی در راستای صنعتی شدن برداشته، بطوری که عده‌ای آن کشور را همراه با مالزی و تایلند، هواپیمای آماده پرواز نامیده‌اند. ر.ک. به

Behzad Shahandeh, Ph.D., «Indonesia's Rapid Industrialisation», *Tehran Times*, October 19/1994.

16. P. Handley, «Thailand's poor infrastructure», *Far Eastern Economic Review*, 29 September, 1993, p.30.

17. Invested Promotion Board.

18. Export Credit Scheme.

19. A. Hitata, «Promotion of manufactured exports in developing countries», *Developing Economies*, 26 (4) Dec. 1988, p.4.